

اربعین، حرکتی شتابان به سوی ظهور

اربعین اتصال عزم حسینی با هدف حسینی است. هدف که در کرپلا محقق نشد، اربعین آن هدف را محقق می‌کند و جالب این است که عزم از امام است و تأمین هدف از امت است. اربعین از این رو اربعین است. هیچ‌گاه در تاریخ ننوشته‌اند که امامی جلودار جمعیت راهپیمایی اربعین شده است. اربعین امت را به امام می‌رساند، مبدأ حرکت اربعین، امام شهید و مقصد آن، امامی که ظهور خواهد کرد.

به گزارش سایت خبری پرسون، سعدالله زارعی در یادداشتی نوشت: راهپیمایی اربعین یکی از برجسته‌ترین پدیده‌های مذهبی، معنوی، تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. این راهپیمایی از یک‌طرف یک مفهوم بلند تاریخی - عاشورا - را به «مسئله روز» تبدیل می‌کند و از سوی دیگر یک مفهوم متعالی آرمانی - ظهور - را به جهان یادآور می‌شود. خط بین عاشورا و ظهور، «حرکت» است و اربعین این حرکت را به کامل‌ترین و زیباترین شکل بروز می‌دهد. از همین‌رو برای عاشورا و فقط عاشورا «اربعین» قرار داده شده است و این یک ابداع سیاسی مربوط به این دوران نیست. اولین اربعین تاریخ یعنی بیستم صفر سال ۶۱ هجری، با راهپیمایی دو صحابی گرانقدر پیامبراعظم صلوات الله علیه و آله و با دستورالعملی که اهل بیت پیامبر صلوات الله علیه تنظیم کرده بودند، انجام شده و پس از آن در همواره تاریخ با فراز و نشیب‌هایی انجام شده و دائماً بر دایره معنایی که اربعین تولید کرده و بر دایره زائرنی که به راه افتاده‌اند، افزوده گردیده است.

اربعین رودخانه گرم اتصال عاشورا به ظهور است و در متن خود دو مفهوم بعثت و غدیر را هم دارد. حقیقت این است که تقدیر شده تا هستی و حقیقت با «حسین» شناخته شود و می‌بینیم که هیچ اسمی به اندازه این اسم دل و دیده انسان را پر نمی‌کند.

هر کجا می‌نگرم نور رخس جلوه‌گر است

من ندانم که چه سری است که در خانه اوست!

حسین سرّ خلقت است و اربعین کشف‌الاسرار عاشورا است. اربعین می‌خواهد بگوید مابین عاشورا و ظهور اسراری فاش می‌شوند تا انسان به کمالی برسد که شایسته «حضور» شود. کدام فرد و جامعه انسانی شایستگی حضور دارد؟ آنان که آماده بذل جان باشند، برای چه؟ برای خود؟ نه برای آنکه بندگان خدا را از جهالت و سرگردانی برهانند. در چه شرایطی؟ در شرایطی که «همه» علیه آنها همدستان شده‌اند. این همه، چه کسانی هستند؟ آنان که دنیا آنان را فریب داد به‌گونه‌ای که بهره خویش که گران‌سنگ بود را به فرومایه‌ترین کالا و ارزان‌ترین بها فروختند و آخرت خویش را تباه کردند؛ آنان که به جای پیروی از امام حق، از «اهل شقاق» و «نفاق» و از آنان که از ارتکاب هیچ کبیراهی رویگردان نیستند، پیروی کردند. (ترجمه فقره دوم زیارت اربعین)

این خط فارق، اربعین است. اربعین فریاد بلندی است که می‌گوید «حادثه» تمام نشده است. ای آنان که در روز عاشورا نبودید و این نبودنتان از نخواستن‌تان برنیامده است، نبوده‌اید که نبودید، هم‌اینک ماجرا همان است آنان که حسینی‌اند به راه افتند و خود را به میعادگاه برسانند و نشان دهند که از جان مایه می‌گذارند و راه افتند تا بندگان خدا در جهل‌گاه یزیدیان سرگردان نشوند. آیا نمی‌بینید نیزه‌داران و تیغ‌بازان و افسون‌گران و کتمان‌کنندگان و تهمت‌پراکنان و طعنه‌زنندگان در میدان تاخت و تاز می‌کنند و بر اهل حق می‌شورند و هر روز فتنه‌ای برمی‌افروزند؟ آیا نمی‌بینید در این دنیا، مکرآفرینان چگونه به سوی «اصغرها» تیغ می‌کشند و «رقیه‌ها» را سیلی می‌زنند و با هزاران نیرنگ توجیه می‌کنند؟ اربعین ۶۱ و اربعین ۱۴۴۵ از حیث مواجهه دو صحنه توفیری با یکدیگر ندارند، الا اینکه دنیا‌داران به وسایل بیشتری مجهز شده‌اند و دین‌داران با جبهه متراکم‌تری از منافق و مشرک و کافر مواجه هستند.

پس آنکه آن روز در قتلگاه خویش ندا برداشت که «هَلْ مِنْ ذَابٍ يَدْبُ عَنْ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ؟» نگاه به دین‌فروشان شامی و کوفی جنگ عاشورا نداشت که آنان غارتگران حرم رسول خدا بودند چه جای اینکه مدافعان حرم او باشند؟ پس این ندایی فرازمان و فرامکان بود و از این‌رو آنان که نبودند و آرزو می‌کنند کاش بودند، مخاطب این کلام سرخ‌اند و چه خوب در طول تاریخ، از عاشورا تا اکنون به این ندا پاسخ داده‌اند. تاریخ چه سیراب شده از خون کسانی که خود را مخاطب آن ندا دیده و با خون و زخم‌های جگرسوز، این ندا را دست به دست و نسل به نسل منتقل کرده‌اند و هنوز با یک علامت هزار در هزار به راه می‌افتند و اگر لازم باشد خود را به دل خطر می‌زنند. مگر نزدند؟ «مدافعان حرم» به افتادن خشتی از حرم امامین هادی و عسکری علیهما السلام، سراسیمه دویدند و مزدوران اجیر را نابود کردند و همان‌ها به صدای نفیر گلوله‌ای در اطراف زینبیه دمشق، سربند «كَلْنَا عَبَاسُكَ يَا زَيْنَبُ» بستند و جان خود را فدیه خشتی از آستان او کردند. این‌ها اگر لیبک‌گوی آن ندای سرخ نبودند، به کدامین ندا از کوه‌های افغانستان و دشت‌های پاکستان و آبادی‌های ایران و بادیه‌های عراق و واحه‌های لبنان و شهرهای سوریه به سمت حرم‌های آل‌الله شتافتند و آنها را دربرگرفتند و گماشتگان خونریز دربارهای غربی، عربی و ترکی را تار و مار کردند؟

اربعین از این حیث فقط یک یادکرد نیست؛ فقط یک راهپیمایی سوگوارانه نیست؛ یک موج تمدنی است که در آن، هر چند دین‌داران و دنیا‌داران در دو سوی معرکه ایستاده‌اند، دین و دنیا بهم رسیده‌اند در اربعین دینداران به شتاب می‌روند تا دنیایی دیگر بسازند؛ دنیایی که لیاقت حضور داشته باشد. دنیا باید از دست دنیا‌داران خلاص شود و معنایی سراسر دینی پیدا کند. از این‌روست که در راهپیمایی اربعین هر نیاز دنیایی، نشان دینی دارد. خوردن و خوردن در این دنیا، رنگ تجارت معمول ندارد؛ تجارتی معنوی است که در سوره صف «وَأَخْرَجَ تُحَيُّونَهَا» خوانده شده است. در این بازار، استراحت و سایه‌نشینی برای تن‌آسایی نیست، لختی درنگ برای حرکتی پرشتاب‌تر و بانشاط‌تر است. در این راه پیمودن، زخم و تاول هم هست؛ اما در هر قدم

خدمت‌گزارانی به انتظار نشسته‌اند تا به مژگان التیام بخشند.

اربعین آمده، رنگ‌ها را به هم زده، زبان‌ها را یکی کرده، لهجه‌ها را درهم آمیخته است. همه به یک رنگ و زبان و لهجه درآمده‌اند و آن «حسین» است. در این‌جا همه با «حسین» شناخته می‌شوند. بنابراین اربعین بزرگ‌ترین آوردگاه بشری است. درست است در آن صدای چکاچک شمشیرها به گوش نمی‌رسد. دو صف نیست یک صف است و آن یک صف، صف حسین برای «نجات بشر» است؛ «لَيْسَتُنْقَذَ عِيَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ». این خط ظهور است در وقت ظهور جبهه، جبهه حق است آن‌سان که باطل به چشم نیاید و در صحنه نماند.

راهپیمایی اربعین مگر غیر از این است؟ حرکت و سفر؛ برای بعضی عراقی‌ها زیارت اربعین دو ماه طول می‌کشد و کمتر زائری است که لااقل یک هفته در راه نباشد. طی طریق میلیون‌ها انسان بدون حادثه! آیا این جامعه اربعین، همان جامعه ظهور نیست؛ فعلاً در قطعه‌ای و فردا در همه قطعه‌ها؟! در زمانی که عراق جولانگاه گرگ‌های داعش بود، باز هم اربعین آرام بود. این یعنی صف اربعین یک صف است، بلکه همه صف است و همه صحنه پر از اربعین است.

اربعین پس از عاشورا و ادامه آن است، اما ادامه جبهه حق. در عاشورا جبهه باطل هم بود، اما در اربعین دیگر حرف و سخن یکی و آن حرف و سخن جبهه حق است. دیگر از عربده‌کشی‌های شمر و صحنه‌آرایی‌های ابن‌سعد خبری نیست. همه میدان پر از حسین، زینب، سجاد، حبیب، زهیر، قاسم، عباس و علی‌اکبر است. این اربعین می‌خواهد تمدن عاشورا را که حسین به پایش جان داد، به وجود بیاورد؛ محور این تمدن «امام» است، امامی که منتظر است و اربعین می‌خواهد جهان را پر از حضور امام منتظر بگرداند. این رمز شوق اربعین است. آنکه در اولین اربعین غسل کرد و فریاد «حبیبی حسین» سر داد و خود را بر آن قبر مطهر افکند و با آب دیدگان، آن را شست، مخزن‌الاسرار رسول خدا بود و آنچه کرد به عنایت کرد نه به ابتکار. کما اینکه در اشعاری که به ابی‌عبدالله الحسین علیه‌السلام منسوب است گفته شده، گریه‌ها را من به چشم شما و سوزها را من به سینه شما می‌آورم و فرمود «من کشته اشک‌هایم».

اربعین اتصال عزم حسینی با هدف حسینی است. هدف که در کربلا محقق نشد، اربعین آن هدف را محقق می‌کند و جالب این است که عزم از امام است و تأمین هدف از امت است. اربعین از این رو اربعین است. هیچ‌گاه در تاریخ نوشته‌اند که امامی جلودار جمعیت راهپیمایی اربعین شده است. اربعین امت را به امام می‌رساند، مبدأ حرکت اربعین، امام شهید و مقصد آن، امامی که ظهور خواهد کرد. اربعین میدان امت است. در این راه حرکت عمومی لازم است. آنان که آماده نیستند هم باید حرکت کنند تا در حین حرکت آماده شوند. هیچ پیامبری قبل از ابلاغ رسالت، مأمور تربیت گروهی نشده، تربیت بعد از بعثت است نه پیش از آن و البته آنان که تربیت شده‌اند، بعثت‌پذیرترند. وضع ظهور هم همین است باید حرکت کرد، در فضایی اربعینی که دنیا را به دین رسانده و فاصله را برداشته است.

منبع: کیهان